

معنای آرای سفید

در پاسخ به برخی پرسش‌ها و ابهامات پیرامون رای سفید *

در رابطه با انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری، مطلبی داشتم با عنوان "حق رای و دشواری انتخاب" که در سایت عصر نو به تاریخ یکشنبه ۱۰ خرداد ۱۳۸۸ برابر با ۳۱ ماه می ۲۰۰۹، منتشر شد. در آن مطلب از رویکرد دادن رای سفید یا باطله برای جلوگیری از انتخاب احمدی نژاد در دور اول، دفاع کرده ام. از جانب برخی از خوانندگان گرامی عصر نو، اظهاراتی همراه با ابهامات، پیرامون آن مقاله طرح شده است. این اظهارات، بیانگر این است که نسبت به اصل موضوع یعنی جایگاه رای سفید در قوانین جمهوری اسلامی درک یکسانی وجود ندارد. از این رو فکر می‌کنم پیش از پرداختن به سئوالات و ابهامات، شاید مناسب‌تر است ببینیم قوانین جمهوری اسلامی در این باره چه می‌گویند:

پایگاه اطلاع رسانی وزارت کشور، قانون انتخابات ریاست جمهوری را منتشر کرده است. این قانون هشت فصل دارد. در فصل دوم این قانون، مواد ۱۲، ۱۳، ۲۵ و تا حدودی ۲۶ آن به این موضوع اختصاص دارد. ماده ۱۲ آن، چنین است:

"ماده ۱۲- انتخابات ریاست جمهوری با کسب اکثریت مطلق آراء می‌باشد"

و ماده ۱۳ آن، دور دوم را این‌گونه توضیح می‌دهد:
"ماده ۱۳- چنانچه در مرحله نخست برای هیچ یک از داوطلبان اکثریت مطلق حاصل نگردید انتخابات دو مرحله‌ای خواهد شد. بدین معنی که دو نامزدی که بیشترین آراء را در مرحله اول داشته‌اند در انتخابات مرحله دوم شرکت می‌کنند"

ماده ۲۵ آن، به آرای باطله‌ای که شمرده می‌شوند، پرداخته است:
"ماده ۲۵- در موارد ذیل با تائید هیات نظارت یا نماینده وی برگ‌های رای باطل ولی جزء آرای ماخوذه محسوب و مراتب در صورت جلسه قید و آرای مذکور ضمیمه صورت جلسه خواهد شد:
آرای غیر قابل خواندن
آرائی که سفید به صندوق ریخته شده باشد
و....."

ماده ۲۶ این فصل هم، به آرائی که باطل محسوب شده، ولی ماخوذه حساب نمی‌شود، اشاره دارد. نظیر رای افرادی که سن‌شان برای رای قانونی نیست و... پرداخته است.
با این توضیحات روشن می‌شود که آرای سفید جزو آرای ماخوذه است. یعنی شمرده می‌شود. دوم این که رئیس‌جمهور در دور نخست با کسب

اکثریت مطلق یعنی با کسب بیش از ۵۰ درصد آراء انتخاب می شود. و بالاخره سوم، در صورتی که این حد نصاب به دست نیاید دو نفر که بیشترین رای را دارند به دور دوم می رسند.

در مطلب "حق رای و دشواری انتخاب" کوشیده ام دلایلم را برای کنار زدن احمدی نژاد بیان کنم. افزون بر این توضیح داده ام به دلیل این که ما نیروهای جمهوری خواه، نماینده خود را نداریم، فقط در شرایط خاصی ممکن است رای دادن به نیروی دیگری را درست بدانیم. به باور من کاندیداهای اصلاح طلب، هم به لحاظ برنامه و هم، به لحاظ چگونگی اجرای آن مشکل دارند. پیش از این گفته ام نتیجه خرابکاری های سیاست احمدی نژاد که با پشتیبانی رهبر جمهوری اسلامی پیش رفته است، به تدریج و در سال های آینده بیشتر آشکار می شود. برنامه و شیوه کار هیچ کدام از این دو نمی تواند پاسخگوی بحرانی باشد که در چهار سال آتی جامعه را محاصره خواهد کرد. در چنین شرایطی پشتیبانی کامل از این کاندیداها در آینده به اعتبار جریانات آزادیخواه آسیب می رساند. به ویژه آن که اگر مردم آگاه نباشند که از این اصلاح طلبان کار چندانی ساخته نیست، خطر انفعال و یاس و سرخوردگی بر روحیه مردم می نشیند و خطر سربرآوردن و قدرت گیری پاسدار دیگری، در قد و قواره احمدی نژاد دور از ذهن نخواهد بود. به همین دلیل سیاست پیشنهادیم عنصر اصلی اش ایجاد سد در برابر احمدی نژاد است برای این که انتخابات به دور دوم کشیده شود. اما در اجرای این سیاست تلاش این است که حتی المقدور از دادن رای اعتماد به اصلاح طلبان و تائید آن ها اجتناب شود. این سیاست هشدار است به اصلاح طلبان که آن ها هم اگر احمدی نژاد را خطرناک می شناسند و مایلند انتخاب نشود، ضروری است در جهت خواسته های دموکراتیک مردم گام بردارند و با خواسته های آنان همراه شوند. به من تذکر داده اند که رای سفید را به حساب نمی آورند و نتیجه اش مثل شرکت نکردن در انتخابات است.

در پاسخ مایلم تاکید کنم که طبق قانون جمهوری اسلامی، رای ها باید خوانده شوند. وظیفه حفاظت از شمارش آراء به عهده کاندیداهائی است که، هم در راس قدرت بوده اند و هم در برنامه های انتخاباتی شان از اجرای قانون دفاع کرده اند و بعضا هم قرار است قانون اساسی را به سود حقوق شهروندی اصلاح کنند. اگر این کاندیداها نتوانند در بالا از آرای مردم مطابق همین قانون اساسی دفاع کنند، چه تضمینی وجود دارد که به وعده های خود عمل کنند. افزون بر این اگر آرای اصلاح طلبان به نام احمدی نژاد خوانده شود، چه باید کرد. هم این و هم آن اقدام، غیر قانونی است. ما نباید پاسخگوی وظایف کاندیداها هم باشیم. و مهم تر از این ها اگر این افراد امروز نتوانند از حق خود دفاع کنند، چگونه فردا از حقوق مردم دفاع می کنند و آیا چنین کاندیداهائی شایستگی حمایت را دارند؟

پرسش دیگری که طرح شده این است که رای سفید ابهام دارد و روشن نیست که در دور دوم چه می کنید؟

در دور دوم با توجه به این که چه کسانی بالا می روند، چگونه برخورد می کنند و جامعه چه واکنشی می تواند نشان دهد، من هم نظرم را خواهم گفتم. من در مطلبم گفته ام که با امر انتخابات سیاسی برخورد می کنم و نتیجه سختم این است که از پیش جواب قطعی برای حتی دور دوم همین انتخابات هم ندارم. آن چه که امروز می گویم این است که چون انتخابات آزاد نیست و نماینده مورد نظرم در میان کاندیداها وجود ندارد، طبیعی است دستم را با دفاع از شرکت کردن و رای دادن به اصلاح طلبان، نمی بندم. توجه داشته باشیم که در انتخابات پیش زمانی که معین را در ابتدا تأیید نکردند، همین جبهه مشارکت اعلام تحریم کرد و گفت انتخابات غیر آزاد نا عادلانه و فرمایشی است. شرط شرکت را، پذیرش معین اعلام کردند. ما چنین برخوردی با انتخابات نداریم. چون معیار شرکت در انتخابات غیر دموکراتیک را، تاثیر آن روی رشد مبارزات مردم برای دستیابی به دموکراسی قرار داده ایم. ما از انتخابات آزاد دفاع می کنیم و نبود دموکراسی ما را متمایل به عدم شرکت در انتخابات می کند. اما با توجه به توضیحاتی که در مطلب "حق رای و دشواری انتخاب" داده ام تناقضات درونی حکومت اسلامی ممکن است، شرایطی پدید آورد که شرکت مردم در این انتخابات غیردموکراتیک امکان تنفس ایجاد کند. در این انتخابات کنار زدن احمدی نژاد ضربه ای است به دستگاه ولایت و مردم را در مبارزه توانمندتر می کند.

تذکر دیگری که در رابطه با مقاله "حق رای و دشواری انتخاب" داده شده است، این است که باید در آراء سفید نام موسوی را نوشت و به هر شکل ممکن جلوی احمدی نژاد را گرفت وگرنه باید منتظر ظهور حضرت مهدی باشیم.

در ابتدا بگویم که زمانی که از شرکت و یا عدم شرکت مردم در انتخابات پشتیبانی می کنیم، منظور صف کشیدن تبعیدیان سیاسی جلو سفارت خانه ها در خارج کشور نیست. ما را به زور از مملکتمان بیرون کرده اند. تا از تبعیدیان اعاده حیثیت نشود، رای دادن تبعیدیان سیاسی-حتی زمانی که مشارکت را به سود مردم کشورمان ارزیابی کنیم- بی حرمتی است به تمامی ارزش هائی که در راه شان سختی ها و مرارت ها کشیده ایم.

نکته بعد این که، در مطلبم توضیح داده ام که اهمیت دارد جلوی احمدی نژاد گرفته شود، اما نه به هر قیمتی. قیمت آن را مشخص کرده ام. گفته ام با قیمت رای سفید می توان جلوی احمدی نژاد را در دور اول گرفت. ولی اگر کاندیداها اصلاح طلب هم، رای مردم را می خواهند - که می خواهند- آن ها هم باید قیمتی بپردازند. چه دلیل دارد زمانی که امکانات دیگری برای کنار زدن احمدی نژاد وجود دارد، ما از موسوی با این زبان الکنش در دفاع از آزادی و آن گذشته "درخشانش" حمایت کنیم. توجه کنیم اگر گزینه بد و بدتر راهنمای همبستگی ما شود جنبش به جای پیشروی و اعتلا با افت روبرو می شود.

البته در نوشته "حق رای و دشواری انتخاب" تاکید کرده ام و در این جا مایلم دوباره تاکید کنم که هیچ کدام از رویکردها از جمله دادن رای سفید با باطله، کامل و بی نقص نیست. اما من رای سفید را مفیدتر می دانم. رای سفید جهت گیری ما نیروهای چپ را نشان می دهد، که حق داشتن کاندیدا نداریم. در واقع شهروند درجه دومیم. اما اگر در دور دوم به هر دلیل مجبور به شرکت و رای به یکی از دو کاندیدا شویم با توجه به رویکردمان در دور نخست، هم جامعه را نسبت به اطمینان به کاندیداها حساس می کنیم. هم به کاندیداها اخطار کرده ایم که خواست مردم را پیگیری کنند و به رای مردم ننازند. نتیجه چنین رویکردی این است که مردم را به سهم خود متوهم نمی کنیم.